فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و پنجم. پاییز ۱۳۹۷، صص٦٦-٤٥ Vol 3. No 25. 2018, p 45-66
شماره شاپا (٦٣٩٥-٢٥٣٨) ISSN: (2538-6395)

بررسی قانون حاکم بر دعوای مسوولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان

علی علی پور
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی. ایران

چکیده
هیچ یک افراد جامعه را گریزی از وقایع حقوقی نیست. گاهی خواسته یا ناخواسته به دیگری ضرر وارد می شود و بحث مسئولیت زیان زننده یا نحوه جبران آن توسط دیگران مطرح می‌شود. در حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان، قواعد عام مسئولیت مدنی تحت سه عنوان «مستولیت ناشی از بی احتیاطی، مسئولیت ناشی از عمد و مسئولیت بدون تقصیر مطرح می‌شود بی احتیاطی و مسئولیت ناشی از عمد از مهمترین حوزه‌ی مسئولیت مدنی در ایران و انگلستان بوده و برای تحقق آن وجود سه شرط ضرورت دارد: وجود تکلیفی برای رعایت احتیاط و مراقبت، نقض تکلیف مذکور و ورود خسارت. از این رو در پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان خواهیم پرداخت. روش پژوهش به شیوه توصیفی تحلیل برگرفته از منابع و اسناد کتابخانه ای معتبر می‌باشد که در نهایت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قواعد حاکم بر دعاوی، مسئولیت مدنی، حقوق ایران، حقوق انگلستان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بیان مسأله

قانونگذاران از دیرباز دریافته اند که هیچ کس نباید به دیگران ضرر بزند و هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند .بنابراین موضوع مسئولیت مدنی، تعهدات شهروندانی است که با هم زندگی مشترک اجتماعی دارند ازین رو در حقوق مسئولیت مدنی روشن خواهد شد که چه قواعدی بر همگان تحمیل می‌شود تا از اضرار ناروا به دیگران پرهیز شده و در صورت لزوم زیان های وارده جبران شوند. قواعد مسئولیت مدنی در حقوق غرب عمری بس طولانی دارند؛ این قواعد در یونان باستان متولد شده و پا به عرصه‌ی وجود نهادند، به رومیان به ارث رسیدند و ریشه در حقوق انگلستان دواندند. برخی اندیشمندان حقوق غرب همچون هولمز معتقدند مسولیت مدنی اولیه با عمد، تجاوز از اخلاق و انتقام گیری‌های شخصی شروع شد، به تدریج به سوی بی احتیاطی گام برداشت و در آخرین مقام با مسئولیت‌های بدون تقصیر آشنا گردید. حقوق انگلیس به طور مطلق قاعده مزبور را اعمال نمی‌کند و در موارد استثناء قاعده قانون مناسب را جایگزین آن می سازد. حقیقت این است که هیچ یک از قواعد حل تعارض در مسئولیت مدنی نمی‌تواند در همه موارد پاسخگو باشد و هر یک از قواعد (قانون مقر، قانون محل وقوع فعلی زیانبار، قانون مناسب) تنها بخشی هایی از واقعیت را تحت پوشش قرار می دهد. قاعده ی لاضرر، اتلاف و تسبیب در قانون مدنی و ماده ی قانون مسئولیت مدنی گواهی بر وجود تکلیفی همگانی برای عدم اضرار به غیر در فقه و حقوق ایران است. بنابراین برای دستیابی به وجوه افتراق و اشتراک قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی در ایران و انگلستان باید پژوهش هایی در خصوص تطبیق قانون حاکم بر دعوای مسوولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان انجام گیرد. در واقع مسأله اصلی این پژوهش این می باشد که آیا قانون حاکم بر دعوای مسوولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان با هم تطبیق دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

جبران خسارت متضرر از حوادث و وقایع قهری، رسالت بنیادین مسئولیت مدنی است و تحقق هدف از طریق وضع و حاکمیت قانونی مناسب امکان پذیر است. این دغدغه تنها به حقوق داخلی محدود نمی‌شود، بلکه در صورت دخالت عنصر خارجی در دعوای متنازع فیه تعیین قانون حاکم بر دعوا اهمیت خاصی پیدا می‌کند. با وجود این وضع قواعد حل تعارض حاکم بر مسئولیت مدنی و تعیین قانون حاکم بر آن، از پیچیده ترین و دشوارترین مسائل مربوط به حقوق بین الملل خصوصی است. مسئولیت مدنی در نظام حقوقی هر کشوری از مقوله های مهم قلمداد می‌گردد که می‌توان به مسئولیت دولت، قضات، پزشکان، رانندگان و. . . اشاره نمود لذا، برای احقاق حق وتظلم خواهی ومرتفع شدن چالشها مطالعه این موضوع از ضرورت واهمیت لازم برخوردار می باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

اهداف تحقیق

ـ مطالعه و تحلیل قانون حاکم بر دعوای مسوولیت مدنی در ایران

ـ شناسایی وضعیت قانون حاکم بر دعوای مسوولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان

ـ ارائه راهکارهای مناسب برای مرتفع شدن چالش هاو اختلاف نظرها

ـ در مورد هدف کاربردی تحقیق نیز می توان چنین بیان نمود که قوه قضاییه، کانون وکلا، مشاوران و مانند آنها می‌توانند از نتایج این تحقیق بهره مند شوند لذا، مطالعه این موضوع ضروری و با اهمیت می‌باشد.

فرضیه ها

فرضیه اول: به نظر می رسد، مفهوم قانون حاکم بر دعوای مسوولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان با هم تطبیق دارد.

فرضیه دوم: به نظر می رسد، واکنش نسبت به دعوای مسوولیت مدنی در حقوق ایران وانگلستان تا حد معقول تطبیق دارد و حقوق هر دو کشور برای دعوای مسوولیت مدنی قوانینی تصویب نموده است و لیکن از منظر ارکان ومصادیق با هم متفاوت می باشد.

سوابق مربوطه

پیرهادی و نوعی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مسئولیت مدنی ناشی از بی احتیاطی در حقوق ایران و انگلستان پرداختند.

طباطبایی و شنیور(۱۳۹۴) به بررسی مطالعه تطبیقی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس از منظر تعارض قوانین پرداختند.

هوشیاری اجیرلو و جدی (۱۳۹۵) به بررسی انواع مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان پرداختند.

تقی زاده وهمکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان مسؤولیت مدنی پزشک در قبال بیماران اورژانسی (با مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان) انجام دادند.

امینی و نوعی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران انجام دادند.

داوودی (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تطبیقی نظریه ی مسؤولیت مدنی مطلق در حقوق ایران در انگلستان پرداخت.

جعفریان (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان مسئولیت مدنی سرپرست محجورین در حقوق ایران و انگلیس انجام داد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

روش کار

بهره‌گیری از مطالعات نظری و تحلیلی است، اما حسب موضوع این پژوهش، تلاش می‌شود تا با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بصورت مطالعات کتابخانه‌ای در بین کتب، مقالات و سایر منابع علمی و تحقیقاتی موجود، به موضوع پژوهش پرداخته شود. با بررسی منابع دست اول و دست دوم و مقالات علمی مطالب مفید و ارزشمند فیش برداری شده و فیش‌ها براساس موضوع تفکیک و در پژوهش مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی به معنای لغوی آن « موظف بودن به انجام دادن امری است» و مسئول کسی است که فریضه‌ای که بر ذمه دارد که اگر به آن عمل نکند از او بازخواست می شود مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی به مسئولیت شخصی در مقام حیوان خسارتی است که خود یا کسیکه تحت مراقبت یا اداره وی باشد یا اشیاء تحت حفاظت وی به دیگری وارد می آورد و نیز به مسئولیت شخص در اثر تخلف از اجرای تعهدات ناشی از قرارداد، اطلاق می‌شود. پس در هر مورد که شخص وظیفهٔ تدارک و ترمیم خسارت وارده به دیگری را عهده دار باشد، در برابر زیان دیده مسئولیت مدنی دارد.

مسئولیت مدنی مدنی به معنای اعم یعنی التزام به جبران خسارت اعم از اینکه منشأ آن عمل حقوقی باشد یا واقعهٔ حقوقی یا قانون. عمل حقوقی بدین سان منشأ مسئولیت می شود که گاه شخصی با دیگری قراردادی منعقد می‌کند و تعهد به انجام کاری می کند، این یک وظیفهٔ قراردادی است که با نقض آن مسئولیت محقق می‌شود. گاهی واقعهٔ حقوقی منشأ مسئولیت است یعنی بدون اینکه شخص اراده ای داشته باشد مسئولیت ایجاد می‌شود.

اما مسئولیت مدنی به معنای اخص فقط شامل جبران خسارت می شود که منشأ قراردادی نداشته باشد. یعنی فقط مسئولیت غیرقراردادی را شامل می شود. و مسئولیت قراردادی از قلمرو آن خارج است. این معنی بیشتر در حقوق سوئیس رایج است. البته بعضی مولفان فرانسوی نیز مسئولیت مدنی را بدین معنی استعمال کرده اند.

مسئولیت مدنی اصولا ناشی از بی مبالاتی اشخاص است و گاه به منظور جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده است نیز به وجود می آید. برای اینکه شخص مسئول و مکلف به جبران خسارت وارده به دیگری باشد، سه شرط یا رکن لازم است:

الف) وجود ضرر

ب) ارتکاب فعل زیانبار

ج) رابطه سببیت بین فعل شخصی و ضرری که وارد شده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مبنای مسئولیت مدنی

نظریه تقصیر

براساس این نظریه، مسئولیت دولت و اشخاص، صرفاً در صورتی قابل طرح است که آنان در انجام عمل خسارت بار و زیان آور، مرتکب تقصیری گردیده باشند. طبق نظریه تقصیر، تنها دلیلی که میتواند مسئولیت کسی را در مورد جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت یا سببیت تقصیر او و ضرر وارده است.

نظریه خطر

مطابق این نظریه، برای مسئول دانستن شخص، نیازی نیست که در انجام عمل خسارت بار، مرتکب تقصیری شده باشد، بلکه همین که از عمل خطر آفرین او خساراتی به بار آید، خواه در انجام آن عمل مرتکب تقصیر شده یا نشده باشد، مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران کند.

نظریه تضمین حق

به موجب این نظریه، هر کس در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود ببرد. این حق بوسیله قوانین حمایت شده است و ضمانت اجرای این حمایت، مسئولیت مدنی متجاوز است؛ همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام گذارند و ایمنی دیگران را به خطر نیندازند.

نظریه مختلط

همان طور که بیان شد، هم نظریه ی تقصیر و هم نظریه ی ایجاد خطر، ایراداتی غیر قابل چشم پوشی دارند. بر همین اساس در قرن بیستم میلادی نظریه‌های مختلطی مطرح شدند که در واقع ترکیبی از هر دو نظریه ی تقصیر و نظریه ی ایجاد خطر هستند. بر طبق این نظریه ها شخص باید خسارت های وارد شده به دیگران را «که ناشی از تقصیر او باشد» جبران کند اما گاهی به طور استثنائی بی آنکه مرتکب تقصیری شده باشد، مجبور است خسارت های وارد شده به دیگران را جبران کند.

انواع مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی مؤاخذه و پاسخگویی در پیشگاه خداوند ووجدان است. این مسئولیت بیشتر جنبه شخصی دارد و آن گاه مطرح می شود که شخصی یکی از قواعد اخلاقی را نقض نماید. در حالی که مسئولیت مدنی مسئولیت شخص است در قبال سایر اشخاص، این نوع مسئولیت بیشتر جنبه عینی و اجتماعی دارد و آن گاه مطرح می شود که قانون به عنوان اساس نظم اجتماع نقض گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مسئولیت مدنی ومسئولیت کیفری

این دو شاخه مسئولیت حقوقی در گذشته بسان امروز از یکدیگر متمایز نبوده اند. به خصوص در حقوق رم مسئولیت مدنی و کیفری از هم جدا نبوده است، در فقه اسلامی نیز در بخش دیات اختلاط این دو نوع مسئولیت مشاهده می‌شود. چه بسیاری از قواعد و مصادیق مسئولیت مدنی در این بخش بیان شده است. با وجود این اکنون تقریباً در اکثر نظام های حقوقی این دو نوع مسئولیت از هم تفکیک شده اند و هر کدام به نوبهٔ خود جایگاه ویژه و قواعد خاص خود را دارند.

مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی

در خصوص تعریف مسئولیت مدنی در معنای خاص خود در حد کفایت در محورهای پیشین بحث شد. همچنین اشاره شد که منظور از مسئولیت قراردادی این است که طرف قرارداد تأخیر می‌کند یا اساساً تعهدات ناشی از قرارداد را به مورد اجرا نمی‌گذارد و در اثر این نقض تعهد موجب ورود خسارت به طرف مقابل می‌گردد. تکلیف او به جبران خسارتهای وارده ناشی از نقض تعهد مسئولیت قراردادی خوانده می‌شود.

مسئولیت مدنی در حقوق ایران

در قانون ایران موضوع مسئولیت مدنی تحت عنوان اتلاف و تسبیب ضمن مواد ۳۲۸ تا ۳۳۵ بیان شده است. گرچه می‌توان با ابزارهای استنباط حقوقی تفسیرهای مفیدی از این مواد کرد و به‌ویژه با توجه به قاعده لاضرر، احکام لازم را برای رفع احتیاج روز استخراج کرد ولی این تفسیرها برای حل معضل‌ها و مشکل‌های اجتماعی زندگی امروز بسنده نیست و بهتر است یا وضع احکام صریح، حقوق و تکالیف افراد را مشخص و معین کرد و از اتلاف وقت و سرگردان کردن افراد جامعه تا اندازه ممکن جلوگیری شود. نارسا بودن مواد قانون مدنی از یک طرف و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و لزوم حمایت از اشخاص زیاندیده از طرف دیگر، موجب شد که دولت به فکر تهیه قانون جدیدی در زمینه مسئولیت مدنی بیفتد. به همین جهت قانون مسئولیت مدنی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۹ در کمیسیون مشترک دو مجلس تصویب شد. قانون مذکور از جهت توجه به مسائل مربوط به جبران خسارت‌ها جالب است ولی از حیث میانی مسئولیت، در غالب موارد متکی به نظریه تقصیر است.

قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران

در این قسمت قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آراء و دیدگاههای پیرامون آن را بررسی می کنیم. بر این اساس، نخست وضعیت قانون مدنی را تبیین و سپس اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار را تحلیل می کنیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

گفتار اول: قانون مدنی و راه حل های ارائه شده

برخلاف قوانین مدنی بسیاری از کشورها قانون مدنی ایران در خصوص قواعد حل تعارض حاکم بر مسئولیت مدنی ساکت است و در این قانون ماده ای که در ارتباط با قانون حاکم بر مسئولیت مدنی باشد ملاحظه نمی گردد. با این حال در این خصوص چند فرض را میتوان تصور نمود:

فرض اول، اعمال قانون مقر دادگاه: یکی از اصول بنیادین حقوقی در دعاوی بین المللی اصل سرزمینی بودن قوانین است به موجب اصل مزبور قوانین هر کشوری در قلمرو هوایی، دریایی و زمینی آن کشور اعمال می‌گردد و کلیه اشخاصی که در آن قلمرو ساکن هستند ناگزیر از تبعیت از آن قانون هستند در موضوع مورد بحث، با توجه به عدم وجود قاعدهای خاص در خصوص قواعد حل تعارض حاکم بر مسئولیت مدنی با اتکاء به ماده ۵ قانون مدنی و اصل سرزمینی بودن قوانین می توان قائل به اجرای قانون مقر دادگاه قانون مدنی ایران) شد. یکی از حقوقدانان معتقد است: «در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا که تردید در اجرای قانون خارجی باشد اصل، اجرای قانون ایران، درباره ساکنان است» (کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

بعضی دیگر گفته اند در حقوق ایران، قاعده کلی تعارض قوانین، درون مرزی هستند و حاکمیت برون مرزی قوانین نیاز به تصریح دارد که در اینجا وجود ندارد (نصیری، محمد؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۱، ۱۲۵-۱۴۲).

اعمال این فرض، از این مزیت برخوردار است که در خصوص قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی تعیین تکلیف می نماید و دادرس را از سرگردانی نبودن قاعده رها می سازد. با وجود این، اعمال این فرض با ایراداتی مواجه است: اساسا چه دلیلی وجود دارد که به صرف مراجعه به دادگاه ایرانی قانون ایران در این مورد حاکم باشد؛ به عبارت دیگر، اجرای قانون مدنی ایران در فرضی که اصحاب دعوا هر دو تبعه خارجی بوده و محل وقوع فعل زیانبار نیز خارج از قلمرو ایران باشد واجد هیچ گونه تناسبی نیست. همچنین اعمال این فرض، این اختیار را به خواهان می‌دهد که اگر قانون ایران را مناسب به حال خویش دید به دادگاه مراجعه کند و اگر قانون ایران به ضرر وی بود از مراجعه به قانون ایران خودداری کند.

فرض دوم، اعمال قانون مناسب: طبق این فرض بهترین گزینه در خصوص قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی قانون مناسب است. در واقع در مسائل مربوط به مسئولیت مدنی در حقوق بین الملل خصوصی بهتر است که دادرس با مراجعه به اوضاع و احوال موجود در پرونده و با توجه به شرایط خاص دعوا از قبیل تابعیت طرفین دعوا، اقامتگاه طرفین دعوا، محل وقوع فعل زیانبار و غیره، از میان قانون مقر دادگاه، قانون محل وقوع فعل زیانبار، قاعده سبب و منشاء وقوع فعل زیانبار، قانون مناسب را انتخاب کند. اعمال این فرض در حقوق ایران از این مزیت برخوردار است که نظریه اعمال قانون مناسب همگام با جدیدترین دکترین پذیرفته شده در ایالات متحده است. افزون بر این اعمال این نظریه، فاقد ایرادات نظریه قانون مقر دادگاه است. با وجود این اعمال مطلق این نظریه در حقوق ایران خالی از اشکال نیست. نظریه اعمال قانون مناسب

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

هیچ گونه راه حلی را ارائه نمی دهد. از طرفی اعمال قانون مناسب نیز امر نسبی است و ممکن است در یک دعوا قانون یک کشور حاکم باشد و در پروندهای مشابه، قانون کشور دیگر حاکم باشد و این امر منجر به تشت آراء محاکم می شود. البته علت این امر نبود قاعده ای ثابت در این خصوص است.

برخی از حقوقدانان مسائل را به دو دسته تقسیم کرده اند و در خصوص مسائل دارای جنبه سیاسی معتقد به اجرای موفق اصولی هستند و در مورد مسائل حقوقی (مثل قراردادها) قائل به اجرای قانون مناسب هستند. مسائل مسئولیت مدنی واجد آثار حقوقی است بر این اساس باید قائل به اجرای قانون مناسب شد.

قاعده حل تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی

در گستره تعارض قوانین، قانون مدنی علی‌رغم اینکه در خصوص احوال شخصیه، قراردادها و اموال و اسناد، قاعده حل تعارض پیش‌بینی کرده اما در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی سکوت کرده است.

به طور سنتی، معمول این است که قانون محل وقوع فعل زیانبار را حاکم می‌دانند. به عنوان مثال، اگر یک ایرانی در سفر به انگلستان، تصادف کند و آسیبی به وی وارد شود، قانون انگلستان حاکم به این دعوی و تعیین‌کننده میزان خسارت خواهد بود. با این حال، به دلیل سکوت قانونگذار ایران همانند سایر بحث‌های حقوقی، باب ابراز نظرات باز شده و پیشنهادات متفاوتی ارایه شده است. یکی از پیشنهادات ارایه‌شده در این زمینه، در مورد قانون محل وقوع حادثه یعنی محلی است که فعل زیانبار در آن رخ داده است. قانون مقر دادگاه، پیشنهاد دیگر است یعنی دادگاهی که به دعوای ناظر بر مسئولیت مدنی رسیدگی می‌کند که بازتاب اصل سرزمینی بودن قوانین است. در خصوص قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیانبار نیز باید این‌گونه گفت که هر دو قانون باید موضوع دعوی را ناروا تلقی کنند تا قابل استماع باشد (کاتوزیان، حقوق مدنی: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، ج سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، صص ۴۸-۴۹). مناسب‌ترین قانون، از میان قوانین معارض آن، قانون حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی است که با توجه به اوضاع و احوال دعوی و وضعیت و موقعیت عامل ورود زیان و زیان‌دیده، مناسب‌ترین قانون باشد.

در خصوص این موضوع که واقعا کدام قاعده مناسب‌تر است، قضاوت قاطع ممکن نیست. با این حال، موضوع از سه حالت کلی خارج نیست:

۱- اگر عمل زیانبار در ایران صورت گرفته باشد و طرفین درگیر در موضوع نیز در ایران ساکن باشند، به نظر می‌رسد بتوان به ماده پنج قانون مدنی توسل جست و قانون ایران را حاکم دانست.

تمامی سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

با توجه به اینکه نسبت به موضوع حاضر در قوانین ایران سکوت اتخاذ شده و قانون خاصی در این باب وضع نشده است، لذا باید به اصل ابتدای ماده توسل جست و قانون ایران را حاکم کرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۲- اگر عمل زیانبار در داخل صورت گرفته باشد اما طرفین، ساکن خارج از کشور باشند، مانند تصادف دو فرد انگلیسی در تهران و اقامه دعوی در تهران برای مطالبه خسارات وارده، به دلیل عدم سکونت طرفین در ایران امکان اعمال ماده پنج فوق وجود ندارد. از طرف دیگر، قاعده حل تعارض در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است لذا باید به یک اصل کلی در تعارض قوانین متوسل شد و آن این است که در صورت عدم پیش‌بینی قاعده حل تعارض در یک موضوع، قانون مقر دادگاه یعنی قانون ایران اعمال خواهد شد. این نتیجه موافق نتیجه آن نظری است که قانون محل وقوع فعل زیانبار را صالح به رسیدگی می‌داند.

۳- اگر عمل زیانبار در خارج از کشور صورت گرفته باشد و طرفین ساکن در داخل کشور نباشند، مانند تصادف دو انگلیسی در خارج از کشور و اقامه دعوای یکی علیه دیگری برای جبران خسارات، در این صورت توسل به قانون مقر دادگاه یعنی قانون ایران، بی‌ارتباط و بی‌مبنا خواهد بود و انتخاب قانون محل وقوع حادثه (فعل زیانبار) مناسب است اما با توجه به اینکه انتخاب دادگاه صالح مقدم بر انتخاب قانون حاکم است، قاضی ایرانی می‌تواند به دلیل وقوع حادثه در خارج از کشور و عدم ارتباط طرفین با ایران، اعلام عدم صلاحیت کند که در این صورت نوبت به تعیین قانون حاکم و تخییر قاضی رسیدگی‌کننده در میان نظرات موجود نخواهد رسید.

نتیجه اینکه، انتخاب قانون حاکم در مسئولیت مدنی، با قاضی رسیدگی‌کننده به موضوع خواهد بود که به دلیل فقدان مقرره صریح قانونی در حقوق ایران، دست قاضی باز است و وی می‌تواند هر یک از نظریه‌های پیشنهادی فوق را استدلال و اعمال کند. این وضعیت، مناسب سیستم حقوقی کشور نیست و می‌تواند منجر به تشتت آرای محاکم شود البته در صورتی که به کرات این‌گونه دعاوی با عنصر خارجی مطرح شوند و وحدت‌رویه‌ای بین شعب دادگاه وجود نداشته نباشد، دیوان عالی کشور می‌تواند با صدور رای وحدت‌رویه، فصل‌الخطاب باشد یا اینکه قانون خاصی در این رابطه وضع شود.

مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین

از نظر تعارض قوانین، «مسئولیت مدنی»در بر گیرنده الزام های خارج از قرارداد است و قاعده حل تعارض خاصی دارد. برخی از حقوقدانان، «قانون مقر دادگاه»را در این بیمه حاکم دانسته اند. گروهی دیگر دعوای مسئولیت مدنی را در صورتی قابل استماع می دانند که موضوع دعوا را هم«قانون مقر دادگاه»و هم «قانون محل وقوع فعل زیانبار»، ناروا و توجیه ناپذیر بدانند و در نتیجه موجب مسئولیت مدنی عامل آن به شمار آورند. بیشتر حقوقدانان، مسئولیت مدنی به مفهوم عام آن را تابع قانون محلی قرار داده اند که فعل زیانبار در قلمرو زمینی یا دریایی یا هوایی آن به بار آمده است و معتقدند که این قانون، شرایط، ارکان و آثار دعوا را تعیین خواهد کرد. به دلیل نارسایی های ناشی از اعمال مطلق نظریه سنتی قانون محل وقوع فعل زیانبار و دشواری مربوط به تعیین محل وقوع فعل زیانبار، برخی از اندیشمندان حقوقی، از نظریه ای جانبداری کرده اند که بسیار انعطاف پذیر است و بر طبق آن، از میان قوانین متعارض، قانون حاکم بر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

دعوای مسئولیت مدنی خواهد بود که با توجه به اوضاع و احوال دعوا و وضعیت و موقعیت عامل ورود زیان و زیان دیده، «مناسب ترین قانون»باشد.

تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی-که در آن همواره بحث از قوانین متعارض، حاکمیت های متعارض و نظم های متعارض است-از جمله موضوعات دشوار و درواقع پیچیده حقوق بین الملل خصوصی بوده و به همین دلیل هم، توجه بسیاری از قانون گذاران، دادرسان و اندیشمندان حقوقی، به ویژه فرهیختگان تعارض قوانین، را به خود جلب کرده؛به علاوه این پیچیدگی هم ظاهرا دلایل خاص خود را دارد:رشد سریع و شگفت آور بشر در این سده، موجب تنوع موارد مسئولیت مدنی شده و بر دشواری موضوع افزوده است؛وظیفه و هدف اصلی حقوق مسئولیت مدنی همواره مورد اختلاف است و در طبیعت و ماهیت حق مطالبه جبران خسارت، هیچ گونه اتفاق نظری وجود ندارد. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در تعارض قوانین در ایران کار مشخصی مانند کتاب، مقاله و. . . صورت نگرفته و حتی می‌توان گفت که قانون گذار ایران هم، قاعده حل تعارضی را به صراحت در این زمینه مقرر نکرده است. بدین سان تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی نه تنها از لحاظ نظری، موضوعی در خور توجه در تعارض قوانین است بلکه از لحاظ عملی نیز به دلیل گسترش ارتباطات، رفت و آمدهای متعدد، برخوردها و تماس‌های بین المللی و. . . همچنین تأثیر آن بر عوامل دخیل در حقوق مسئولیت مدنی مانند بیمه و. . . امری ضروری به نظر می رسد.

دلایل تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی

منظور از تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، تعیین قانون حاکم بر الزاماتی است که به تعبیر قانون مدنی، «بدون قرار داد حاصل می شود» (در عنوان مواد ۳۰۱ و بعد.) و بنابراین شامل مسئولیت هایی که به دلیل وجود قرارداد پدید می آیند نمی شود. دلیل این امر آن است که مسئولیت های قراردادی، «قانون حاکم » جداگانه دارند که در جای خود مورد بحث قرار می‌گیرد.

اما منظور از تعیین قانون حاکم، یافتن قانون کشوری است که باید بر ماهیت دعوا اعمال شود.

تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی از این نظر اهمیت دارد که نظام های گوناگون حقوقی در مورد اینکه انجام دادن یا ندادن چه کارهایی موجب مسئولیت مدنی است و اینکه شرایط تحقق مسئولیت مدنی چیست اختلاف دارند (کاتوزیان، حقوق مدنی، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۷۴). یعنی اگر نظام های حقوقی مقررات یکسانی در مورد مسئولیت مدنی می داشتند تفاوتی نمی کرد که قانون کدام کشور بر مسئولیت مدنی حاکم شود.

اما با توجه به قوانین داخلی دولت ها، بسته به آنکه قانون چه کشوری بر مسئولیت مدنی حاکم باشد وضعیت های متفاوتی پدید خواهد آمد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

به دلیل این اهمیت، مسئله تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، در نظام های شناخته شده حقوقی، مورد بحث و گفتگوی بسیار قرار گرفته و به ویژه دادگاه های داخلی در ایجاد و استنتاج قواعد آن نقش مهم ایفا کرده اند. با این همه، در ایران به دلیل سکوت قانون مدنی و دلایل دیگر، دکترین و رویه قضایی سهم اندکی به این بحث اختصاص داده اند تا آنجا که غالبا چنین گفته می‌شود که چون مسئولیت مدنی قاعده حل تعارض خاصی ندارد، بنابراین باید در مورد آن قانون محل دادگاه (یعنی قانون ایران) را اعمال کرد. هدف مقاله حاضر، پرداختن به این مسئله است که چرا جستجوی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ضروری است و اینکه، حتی اگر قانون محل (مقر) دادگاه را حاکم بر مسئولیت مدنی بدانیم، چه تفاوتی دارد که قانون محل دادگاه به دلیل نبود قاعده حل تعارض اعمال شود یا به حکم قاعده حل تعارض.

به این ترتیب، پس از بحث در مورد «ضرورت تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی » و بررسی «تحولات تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی»، نهایتا وضعیت نظام حقوقی ایران را مطالعه و پیشنهاداتی ارائه خواهیم کر (قاسم زاده، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹).

اهمیت تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی

اگر سؤال شود که چه دلیلی وجود دارد که برای مسئولیت مدنی قانون حاکم تعیین شود، پاسخ چیست؟ آیا اگر قانون گذار ایران برای احوال شخصی، قراردادها، اموال و شکل اسناد (به ترتیب مواد ۶ و۷ قانون مدنی در مورد احوال شخصی و مواد ۹۶۸، ۹۶۶ و ۹۶۹ در مورد قراردادها، اموال و اسناد) قانون حاکم تعیین کرده باید برای مسئولیت مدنی (یا الزامات بدون قرارداد) نیز قانون حاکم تعیین می‌کرد؟ و اگر نکرده آیا سکوت قانون گذار را باید نقیصه ای تلقی کرد و از طریق رویه قضایی و دکترین در پی رفع آن برآمد؟ آیا کافی نیست که به ماده ۵ قانون مدنی که متضمن اصل سرزمینی بودن قوانین است، استناد کنیم و هر جا که قانون گذار قاعده حل تعارض به ما نداده است، قانون ایران (یعنی قانون محل دادگاه) را اجرا کنیم؟

گروهی از حقوق دانان ایرانی همین نظر را ابراز کرده و می گویند اگر قانون گذار ایران قاعده حل تعارض قوانین در مسئولیت مدنی وضع نکرده، با وجود اصل سرزمینی بودن قوانین، مشکلی هم (شهیدی، قواعد ایرانی تعیین قانون حاکم بر قرارداد، اندیشه‌های حقوقی، چ دوم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵) وجود ندارد، زیرا، قاضی ایرانی قوانین ایران را بر مسئولیت مدنی اعمال می کند. برخی هم، همین نظر را به استاد فقید دکتر کاتوزیان نسبت داده اند (الماسی، دکتر نجاد علی و میرحسینی، مجید؛ حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در مقررات متحدالشکل روم دو و حقوق ایران، فصلنامه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ش ۱۷، ۱۳۹۱، ص ۲۱) به این دلیل که دکتر کاتوزیان در شرح ماده ۵ قانون مدنی گفته اند که : «این ماده حاوی اصل محلی بودن قوانین در روابط

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بین المللی است. پس، در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا که تردید در اجرای قانون ایران یا خارجی باشد، اصل اجرای قانون ایران درباره ساکنان است» (کاتوزیان، دکتر ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر دادگستر، تهران، چ پانزدهم، ۱۳۸۶، ص ۲۸) و از این عبارات کوتاه چنین نتیجه گرفته شده که چون قانون گذار در مورد قانون حاکم بر مسئولیت مدنی حکمی ندارد، پس باید به استناد ماده ۵ قانون مدنی، قانون ایران را حاکم بدانیم. اما این استنتاج درست نیست ؛ زیرا دکتر کاتوزیان در همان کتاب در توضیح ماده ۹۶۸ (ماده ۹۶۸ قانون مدنی : «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر آنکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحا یا ضمنا تابع قانون دیگری قرار داده باشند») که مربوط به قانون حاکم بر قراردادها است ـ چنین می نویسد: «از ملاک ماده ۹۶۸ بر می‌آید که تعهد ناشی از ایقاع و وقایع حقوقی و ضمان قهری نیز تابع قانون حاکم بر وقوع آن است» (همان، ص ۵۷۴) بنابراین، ایشان صریحا معتقدند که قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی، قانون محل وقوع است.

گروهی دیگر هم در مباحث قواعد حل تعارض در حقوق ایران، مبحث قانون حاکم بر مسئولیت (الماسی، دکتر نجاد علی؛ حقوق بین الملل خصوصی، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵) مدنی را به پیروی از قانون گذار ایران مسکوت گذاشته اند.

اما ما به این سئوال که چه ضرورتی وجود دارد که برای مسئولیت مدنی قانون حاکم تعیین شود، این گونه پاسخ می دهیم که : همان ضرورتی که ایجاب کرده است که قراردادها، اموال، احوال شخصی و شکل اسناد، قاعده حل تعارض قوانین داشته باشند، همان نیز ایجاب می کند که مسئولیت مدنی قاعده حل تعارض قوانین داشته باشد و در سکوت قانون گذار، سایر منابع حقوق یعنی رویه قضایی و دکترین باید تکلیف قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را روشن کنند. اما ضرورتی که ایجاب کرده است که قراردادها، اموال، احوال شخصی و شکل اسناد قاعده حل تعارض قوانین داشته باشد، آن است که همه رابطه های حقوقی حقوق خصوصی می توانند در معرض تعارض قوانین قرار گیرند؛ یعنی همان گونه که ممکن است در قرارداد عنصر خارجی یافت شود و وجود عنصر خارجی، قرارداد را مستعد اعمال قانون خارجی می کند، در احوال شخصی نیز ممکن است عنصر خارجی یافت شود و زمینه اعمال قانون خارجی پیدا کند. در اموال و اسناد نیز وضع به همین منوال است. در مسئولیت مدنی یا الزامات خارج از قرارداد نیز همین طور است.

در واقع، اگر به این دو نکته توجه شود که اولا: حقوق خصوصی به طور عام و حقوق مدنی به طور خاص قلمرو اجرای قواعد و مقررات بین اشخاص خصوصی است و قواعد مربوط به روابط اشخاص خصوصی به طور اصولی انعطاف پذیرتر از قواعد حقوق عمومی است و ثانیا: قانون گذار موافقت اصولی خود را با اجرای قوانین خارجی در حوزه حقوق خصوصی اعلام کرده است، دلیلی وجود ندارد که الزامات بدون قرارداد از دایره تعارض قوانین کنار گذاشته شود. یعنی اگر قرار است روابط حقوقی حقوق خصوصی در قلمرو تعارض قوانین قرار گیرد، دیگر فرقی نمی کند که آن رابطه حقوقی،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

قرارداد باشد یا الزامات بدون قرارداد یا احوال شخصی یا اموال و یا اسناد. همه مباحث حقوق خصوصی در قلمرو تعارض قوانین وارد می شوند و بر حسب آنکه چه قاعده ای برای حل تعارض قوانین در نظر گرفته شود، گاه قانون خارجی و گاه قانون مقر دادگاه اجرا خواهد شد (نصیری، دکتر محمد؛ حقوق بین الملل خصوصی، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷).

بنابر این، نباید تردید کرد که مسئولیت مدنی نیز نیازمند قاعده حل تعارض خویش است ؛ یعنی سکوت قانون گذار در این باب معنادار نیست و نباید از آن برداشت شود که مسئولیت مدنی قاعده حل تعارض نمی خواهد. پس این سکوت باید از طریق سایر منابع حقوق (دکترین و رویه قضایی) جبران شود (ارفع نیا، دکتر بهشید، ؛ حقوق بین الملل خصوصی (جلد دوم)، انتشارات بهتاب، ۱۳۷۹، ص ۸۴).

اصول کلی مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی انگلستان

هیچ یک از افراد جامعه را گریزی از وقایع حقوقی نیست. گاهی، خواسته یا ناخواسته به دیگری ضرر وارد می‌شود و بحث مسئولیت زیان زننده یا نحوه جبران آن توسط دیگران مطرح می‌شود. امکان دارد قواعد و مقررات هر کشور یا کشورهای دیگر متفاوت باشد و نحوه اثبات مسئولیت و ارکان آن و برخورد دادگاه‌ها در تعیین مقدار خسارات هم متفاوت باشد. از آن‌جا که سیستم حقوقی بریتانیا با سیستم حقوقی ایران تا حدودی متفاوت است، اطلاع از دیدگاه‌های این سیستم مفید به نظر می‌رسد. مطالعه این تشابهات و تفاوت‌ها اعم از نحوه وضع قوانین، تنقیح آن‌ها، نحوه رسیدگی دادگاه‌ها و حدود مسئولیت‌ها و طریقه اجرای احکام نمرات فراوانی را به بار می‌آورد و دیدگاه‌های دیگر را فرا راه محققین قرار می‌دهد تا در رفع مشکلات مطروحه در جامعه مورد استفاده قرار گیرد. مقاله حاضر تلاشی در جهت تبیین دیدگاه سیستم حقوقی بریتانیا در خصوص اصول مسئولیت مدنی برای حصول نتیجه فوق است.

از آنجا که سیستم حقوقی بریتانیا با سیستم حقوقی ایران تا حدودی متفاوت است اطلاع از دیدگاه های این سیستم مفید به نظر می رسد. مطالعه این تشابهات و تفاوت ها اعم از نحوه وضع قوانین، تنقیح آن ها، نحوه رسیدگی دادگاه ها و حدود مسئولیت ها و طریقه اجرای احکام نمرات فراوانی را به بار می‌آورد و دیدگاه‌های دیگر را فرا راه محققین قرار می دهد تا در رفع مشکلات مطروحه در جامعه مورد استفاده قرار گیرد (داراب پور، مهراب، قاعده مقابله با خسارت، چاپ اول، ۱۳۷۷، تهران، گنج دانش، ص ۶۷). اکثر حقوقدانان ایرانی علاوه بر حقوق اسلامی، بیتر با حقوق نوشته (رومی ژرمنی) مأنوس هستند تا حقوق کامن لا که خاستگاه آن کشور بریتانیا می باشد؛ بنابراین تلاش در جهت شناساندن حقوق از زبان نویسندگان و حقوقدانان آن سامان، بدون اظهار نظر جانبی و دخل و تصرف، کمک شایانی در شناخت این حقوق می‌نماید. ضرورت آشنایی با اندیشه ها و آثار پژوهشی دیگر دانشمندان و روش سیستم های حقوقی برای رفع موانع و مشکلات حقوقی غیر قابل انکار است تا در صورت وجود حکمت در کلام آنان، فراگرفته و استفاده شود. ترجمه حاضر هم در همین راستا است (همان، ص ۶۸).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مبانی مسؤلیت مدنی در حقوق انگلستان

تاریخچه مسئولیت مدنی (در حقوق انگلیس) به سیاست قضایی مرتبط می شود و ریشه در قرن نوزدهم دارد (قبل از ۱۹ بحثی اط تقصیر مطرح نبوده است. در این قرن، بیمه به شدت محدود بوده و شخص خوانده هم مکلف بوده کل خسارات را پرداخت نماید. دادگاه ها برای حمایت از صنایع به تدریج سیستم مسئولیت مدنی را ایجاد کردند که احراز تقصیر را برای موفقیت در دعاوی مسئولت مدنی ضروری می‌دانست. استدلال های اقتصادی به نفع مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر به وسیله اخلاق و بحث های اجتماعی حمایت می شد؛ بدین توضیح که مسئولیت بر اساس تقصیر باعث بازداشتن مردم از اقدامات ضد اجتماعی می شود و شیوه معقول و منطقی همین است که افراد نایاب بایستی غرامت خسارت وارده توسط خویش را بپردازند. یکی از آثار نامطلب این طرز فکر این بود که کارگران کارخانه‌ها که در نتیجه اتفاقات واقع در صنایع صدمه می دیدند تا حدود بسیار زیادی از دریافت خسارت محروم می شدند.

حقوق انگلیس از قرن نوزدهم دیگر نتوانست از تقصیر که میراث این قرن بود خود را نجات دهد و تقصیر به عنوان رکنی برای بسیاری از دعاوی مدنی باقی ماند. فهم این اصل از زمان گذشته هم مشکل تر شد زیرا با گسترش بیمه، به دادگاه ها این مجال داده شد تا استاندارد تقصیر مورد نیاز را در برخی موارد گسترش دهند که باز هم از همان زیان اخلاقی مقصر و خطاکار استفاده می‌کنند. بارها ثابت شده که بسیاری از اشتباهات رانندگان ماشین‌ها که به عنوان سهل انگاری و بی مبالاتی (تقصیر) طبقه بندی شده اند از نظر آماری غیر قابل اجتناب بوده اند. هنگامی که موضوع از این قرار باشد، استدلال اخلاقی و بازدارندگی از انجام تقصیر محدود می شود، خرچند به طور کامل از بین نرود. مسأله بعدی با این حقیقت بروز می‌کند که محکوم به در آراء دادگاه ها به ندرت توسط خود خوانده پرداخت می شود، بلکه به وسیله شرکت‌های بیمه جبران می‌شود. آنچه اتفاق افتاده این است که تقصیر غالبا از یک حالت روانی شخصی (معیار ذهنی) خارج شده و به یک استاندارد رفتاری مورد نظر قضایی (معیار نوعی تبدیل گردیده است، که غرض از آن رعایت سیاست های قضایی است.

مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان

۱- مسئولیت مطلق مسئولیت مطلق، مسئولیتی است که در آن، شخص بدون این که با فعل زیانبار رابطهی سببیتی داشته باشد، به حکم قانون ملزم به جبران خسارت وارده به متضرر می باشد. این نوع مسئولیت، استثنایی است بر اصل و قاعده عام مسئولیت که در مواردی به دلیل مصالح اجتماعی و اقتصادی مورد تصحیح قانونگذار قرار گرفته است که اکنون در حال گسترش می باشد. با توجه به وجود مواردی همچون عاریهی طلا و نقره که در مسئولیت عاریه کننده، تقصیر وی لحاظ نشده است میتوان چنین گفت که این قبیل مسئولیت از دیرباز مورد توجه و پذیرش فقهای اسلام بوده است. مسئولیت مطلق را میتوان نوعی مسئولیت بدون تقصیر دانست. زیرا، در مسئولیت بدون تقصیر خوانده بدون ارتکاب تعدی و تفریط، مسئول

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

می باشد و در مسئولیت مطلق نیز خوانده با فعل زیان بار رابطهای ندارد؛ پس همانند اینست که از ابتدا تقصیری متوجه وی نمی باشد. کاملترین نمونهی مسئولیت مطلق در حقوق ایران، نهاد حقوقی غصب است و در حقوق انگلستان با عنوان مسئولیت تولید کنندگان و فروشندگان کالا میتوان این نوع مسئولیت را شناخت. در نظامهای حقوقی هر دو کشور این نوع مسئولیت به طور استثنایی پذیرفته شده است و نیاز به حکم قانون و تصریح قانونگذار دارد (داوودی، زهرا، بررسی تطبیقی نظریه مسئولیت مدنی مطلق در حقوق ایران و انگلستان پایان نامه کارشناسی ارشد، ارشد، حقوق خصوصی).

۲- مسئولیت ناشی از بی احتیاطی امروزه در اغلب کشورهای اروپایی، مسئولیت ناشی از بی احتیاطی در خط مقدم دعاوی حقوقی مسئولیت مدنی قرار دارد. البته فرانسه در این بین یک از مسئولیت ناشی از «حفاظت» استثناست؛ زیرا در حقوق آن کشور مسئولیت بی احتیاطی پیشی جسته است. در حقوق انگلستان نیز دعاوی ناشی از بی احتیاطی مهم ترین حوزه ی مسئولیت مدنی به شمار آمده و اغلب دعاوی مسئولیت مدنی اقامه می شوند. مسئولیت ناشی از بی احتیاطی، « بی احتیاطی » این کشور تحت عنوان غیر منسجم ترین حوزه ی حقوق مسئولیت مدنی انگلستان است که به سختی می توان در ماهیت، ساختار و اجرای آن به نظمی تمام عیار رسید. این حوزه ی حقوقی بیشتر در عرف و هنجارهای اجتماعی ریشه دارد تا مبانی اخلاقی؛ در این نوع از مسئولیت تعامل و تقابل ریسک های اجتماعی است که بی احتیاطی را توجیه می‌کند، و اگر این تعادل مطرح نباشد باید رو به مسئولیت های بدون تقصیر آورد.

۳- مسئولیت ناشی از عمد مسئولیت مدنی ناشی از سوء نیت شخص مرتکب را گویند و از انواع آن می‌توان به ایراد ضرب و جرح، توقیف غیر قانونی و تجاوز به املاک اشاره کرد. به وجود آمده است. زیرا «اصل عدم اضرار» این نوع مسئولیت مدنی به دلیل اضرار عمدی به غیر به معنای نادیده گرفتن آزادی و برابری دیگران بوده و قابل سرزنش و نکوهش می باشد. البته تجربه و عقل دریافته که گاه اضرار به غیر تحت شرایطی موجه است، برای مثال دفاع مشروع. مسئولیت ناشی از عمد با مسئولیت ناشی از بی احتیاطی تفاوت هایی دارد : مسئولیت ناشی از بی احتیاطی بر عرف و هنجارهای اجتماعی تکیه می‌کند، حال آنکه مسئولیت ناشی از عمد بیشتر ریشه های اخلاقی دارد. هم چنین در مسئولیت ناشی از عمد قاعدهی کلی، عدم اضرار است، اما در مسئولیت ناشی از بی احتیاطی منافع طرفین، تجربه و عرف همگی دارای اهمیت هستند و مجموعه این عوامل وفاکتورها در تعیین شخص بی احتیاط تاثیر گذارند. علاوه بر این در بی‌احتیاطی لازم است رابطه ای خاص بین زیان دیده و مرتکب وجود داشته باشد، در حالی که در مسئولیت ناشی از عمد چنین رابطه ای ضرورت ندارد. از دیگر تفاوت های عنصر معنوی در «عمد» مهم این دو نوع مسئولیت نیز می توان به ضرورت وجود مسئولیت های عمدی اشاره نمود. هم چنین اصولا در مسئولیت های ناشی از عمد، شخص وارد کننده ی زیان مسئول تمامی خسارات دور و نزدیکی است که وارد آمده، حال آنکه در مسئولیت های ناشی از بی احتیاطی شخص تنها مسئول خسارات نزدیک و قابل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

پیش بینی خواهد بود (امینی، عیس؛ نوعی، الیاس، قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

۴- مسئولیت بدون تقصیر در مسئولیت های بدون تقصیر، صرف اثبات ورود خسارت ناشی از عمل مرتکب کفایت نموده و نیازی به اثبات تقصیر نیست. کشورهای مختلف در مورد این نوع مسئولیت دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی هم چون کشورهای کامن لایی، ژرمنی و اسکاندیناویایی، این نوع مسئولیت را تنها در موارد خاص و معین می پذیرند (نظام های بسته). عده ای رویکردی موسع نسبت به این نوع مسئولیت داشته و گسترش آن را به راحتی می پذیرند (نظام های باز). عده ای دیگر نیز، هم چون ایتالیا و پرتغال راهی میانه را در پیش گرفته اند. در حقوق انگلستان این نوع مسئولیت بیشتر در مواردی چون آتش سوزی، نگهداری از حیوانات، نگهداری مواد منفجره، نگهداری مواد سمی و قاعده‌ی رایلندز – فلچر مطرح شود (امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول؛ چاپ ۲۶ ؛ تهران: نشر اسلامیه؛ ۱۳۸۵؛ ص ۱۱).

قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس

قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در رویه قضایی انگلیس دارای پیشینه ای طولانی است و بیش از صد سال از تعیین قاعده ای مشخص در این مورد می گذرد. رویه قضایی انگلیس در ابتدا قاعده تجانس و همانندی را به عنوان قاعده حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی برگزید، لیکن با گذشت زمان دادگاه ها به این نتیجه رسیدند که اعمال قاعده مزبور منجر به نتایج نامطلوب و ناعادلانه ای می گردد. لذا به کرات از اعمال قاعده مزبور خودداری نمودند و قواعد دیگر را جایگزین قاعده مزبور ساختند. با این وجود، این قاعده تا پیش از تصویب مقررات سال ۱۹۹۵ به حیات خود ادامه داد و با تصویب قانون حقوق بین الملل خصوصی قاعده محل وقوع محل زیانبار جانشین قاعده مزبور گردید. البته بررسی رویه قضایی دادگاه انگلیس از چند جهت واجد اهمیت است: نخست، بر طبق قانون حقوق بین المللی خصوصی دادگاه‌های انگلیس در خصوص دعاوی افترا ناگزیر از اعمال رویه قضایی کامن لا هستند و مجاز نیستند بر طبق قاعده محل وقوع فعل زیانبار دعاوی را حل و فصل نمایند دوم، قانون حقوق بین المللی خصوصی انگلیس از تاریخ اول می ۱۹۹۶ لازم اجرا گردیده است و عطف به ماسبق نمی‌گردد و در خصوص دعاوی پیش از لازم الاجرا شدن قانون مزبور، قاعده تجانس و همانندی حاکم می‌باشد.[1] این گفتار مشتمل بر دو بند است: در بند نخست رویه قضایی دادگاه های انگلیس در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار می گیرد و در بند دوم قانون حقوق بین المللی خصوصی مورد تحلیلی قرار می گیرد.

1. O'Brien, John; Conflict of Laws, Second edition, Cavendish Publishing Limited, London, 1999. p373.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

گفتار اول: رویه قضایی انگلیس

مطالعه رویه قضایی انگلیس در جهت تبیین قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی و مسیر تاریخی آن و چگونگی شکل گیری این قواعد در حقوق این کشور امری لازم و ضروری است بر این اساس این بند را به مطالعه رویه قضایی اختصاص می دهیم.

بند اول: قاعده تجانس و همانندی

رویه قضایی دادگاه های انگلیس در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی به دو شیوه مختلف عمل می‌کرد شیوه نخست، هنگامی که فعل زیانبار در قلمرو دریایی، هوایی و زمینی کشور انگلیس واقع می‌شد؛ که در این صورت قانون حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی قانون انگلیس بود و اعمال قانون خارجی منتفی بود. شیوه دوم، هنگامی که فعل زیانبار در خارج از قلمرو کشور انگلیس رخ می داد.

در خصوص حالت اول، هنگامی که فعل زیانبار در انگلستان رخ می داد، قانون انگلیس را اعمال می‌کردند حتی اگر طرفین دعوا هیچ گونه ارتباطی با قانون انگلستان (قانون محل وقوع فعل زیانبار) نداشتند. این قاعده برای نخستین بار در دعوایی اعمال شد. خلاصه جریان پرونده بدین صورت بود که خوانده تبعه چکسلواکی و ساکن انگلیس بود و استادی توهین آمیز را برای

رئیس جمهور چکسلواکی که مقیم انگلستان بود ارسال نمود. خواهان مدعی رفتار غیرمناسب خوانده شد. دادگاه انگلیس قانون انگلیس را قانون حاکم بر دعوا دانست؛ چرا که فعل زیانبار افترا) در قلمرو کشور انگلستان واقع گردیده بود. این اصل در دعوای دیگر مورد تأیید قرار گرفت در خصوص حالت دوم، هنگامی که فعل زیانبار در خارج از انگلستان تحقق می یافت قاعده تجانس و همانندی حاکم بود.[2] طبق قاعده مزبور خواهان در صورتی می توانست دعوای مسئولیت مدنی را به طرفیت خوانده اقامه نماید که خوانده مطابق قانون محل وقوع فعل زیانبار و بر اساس قانون مقر دادگاه مسئولیت داشته باشد. به عبارت دیگر دعوای مسئولیت مدنی در صورتی قابلیت استماع را داشت که فعل صورت گرفته توسط خوانده طبق قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیانبار غیر مجاز و غیر عادلانه باشد. این قاعده برای نخستین بار در دعوای فلیپس به طرفیت آیری در سال ۱۸۹۷ مورد پذیرش قرار گرفت و مقرر گردید:

«به عنوان یک قاعده کلی برای اقامه دعوای مسئولیت مدنی در خصوص تقصیری که در خارج ارتکاب یافته است باید دو شرط وجود داشته باشد. نخست، تقصیر پایه آن چنان خصوصیاتی داشته باشد که اگر در انگلیس اتفاق می افتاد قابلیت اقامه دعوا در دادگاه را داشت. دوم، عمل صورت گرفته بر طبق قانون محل وقوع غیر قابل توجیه باشد».[3] برای تحقق قاعده تجانس و همانندی دو شرط لازم بود: اتحاد خواهان و اتحاد خوانده. به عبارت دیگر، برای تحقق قاعده فوق اثبات این مسئله که فعل زیانبار بر طبق قانون خارجی

1. Ibid, p 375.
2. Collier, J,G; Conflict of Laws, Third edition, Cambridge University.
3. Press, United kingdom, 2001 , p 222.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

موجب مسئولیت است کفایت نمی کند، بلکه خواهان باید اثبات کند دعوا بر طبق قانون خارجی به طرفیت همان خوانده قابل مطالبه در دادگاه می باشد. به طور مثال در پرونده مری به طرفیت مکس هم هنگامی که دعوا به طرفیت مالک کشتی در دادگاه انگلستان اقامه گردید و خواهان مدعی ورود خسارت از سوی خوانده به لنگرگاه خود در اسپانیا گردید، دعوای خواهان مورد پذیرش قرار نگرفت. زیرا اگر چه مسئولیتی نیابتی در انگلستان مورد قبول قرار گرفته، اما در اسپانیا پذیرفته نشده است؛ به دلیل آنکه در اسپانیا خدمه کشتی تنها در برابر کارفرما مسئول هستند و نه در برابر مالک کشتی (اتحاد خوانده). علاوه بر این مورد، اتحاد خوانده در محل وقوع فعل زیانبار و قانون مقر دادگاه لازم و ضروری است. چنین مواردی را نمی‌توان در حقوق انگلستان یافت ولی می‌توان مشابه آن را در حقوق استرالیا ملاحظه کرد. به طور مثال در پرونده کورکرن به طرفیت کور کرن هنگامی که خواهان و خوانده ساکن ویکتوریا بودند و اتومبیل نیز در ویکتوریا به ثبت رسیده بود زوجه در نیوست ولز در هنگام رانندگی توسط زوج به علت تقصیر در رانندگی آسیب دید. بر طبق قانون نیوست ولز زوجه نمی توانست دعوای خود را به طرفیت زوج اقامه نماید. زیرا زوج مصون از اقامه دعوا بود. اما زوجه در ویکتوریا دعوای خود را اقامه نمود و دادگاه عالی ویکتوریا ادعای زوجه را رد نمود. [۴]با وجود این اعمال قاعده تجانس و همانندی مشکلات فراوانی را ایجاد می کرد: یکی از این موارد به این مسئله باز می گشت که طبق قاعده مذکور، فعل زیانبار باید مطابق قانون محل وقوع غیر قابل توجیه باشد. عبارت «غیر قابل توجیه» در زمان های مختلف معانی متفاوتی را داشت. در پرونده فلیپس به طرفیت آیری رعایت دقیق قواعد اخلاقی و مذهبی بود و در متون دیگر معانی دیگری ذکر شده بود:

۱- رفتار باید بر طبق قانون مقر دادگاه، فعل زیانبار شناخته شود.

۲- رفتار باید از حیث مدنی قابل مطالبه باشد.

۳- چنانچه رفتاری از لحاظ مدنی قابل پیگیری و مطالبه نباشد، می بایست از لحاظ کیفری خطا محسوب شود، به گونه ای که مسئولیت جزایی را ایجاد کند.

معنای اول در پرونده مری به طرفیت مکس هم بود. که دعوا در مورد خسارت ایجاد شده توسط کارفرما در اسکله ای در اسپانیا بود که مقرر گردید کارگران خوانده طبق قانون اسپانیا مسئولیت نیابتی ندارند. بنابراین در انگلیس نیز مسئول نیستند. معنای دوم در پرونده مک اولری به طرفیت مک الیستر بود؛ هنگامی که شوهر خواهان در اثر حادثه ای در انگلیس در حالی که در تجارت خانه کارفرما مشغول به کار بود آسیب دید؛ تمام طرفین دعوا تبعه اسکاتلند بودند.

زوجه بر طبق چهار قانون اقامه دعوا نمود:

۱- به عنوان اجرا کننده وصیت شوهر؛

1. Mayss, Abla; Principles of Conflict of Law, Cavendish Publishing Limited, Second edition, London, 1996 , p 144.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۲- طبق قانون اسکاتلند تحت عنوان جبران خسارت؛

۳- به عنوان قانون اصلاحی انگلیس مصوب ۱۹۳۴ در مورد قائم مقامی املاک و قانون اشخاص کشته در تصادفات؛

۴- بر طبق قانون مربوط به هزینه های تشییع جنازه. مورد (۱) قانون محل وقوع فعل زیانبار دعوا قابل مطالبه نبود؛ همچنین بر طبق (۲) و (۳) قانون مقر دادگاه، دعوا قابل مطالبه نبود و تنها بر طبق قانون (۴) قابل مطالبه بود و زوجه تنها توانست هزینه های تشیع جنازه را مطالبه نماید.[۵] معنای سوم در پرونده ماچادو به طرفیت فونت پذیرفته شد. دعوا در خصوص افترای انجام شده در برزیل بود طبق قانون برزیل خوانده از حیث مدنی مسئول نبود، بنابراین نمی توانست از حیث جزایی مورد تعقیب قرار گیرد. وجود مسئولیت کیفری طبق قانون برزیل به این معناست که تهمت به وسیله قانون محل وقوع فعل زیانبار غیر موجه باشد. از دیگر انتقاداتی که به قاعده تجانس و همانندی وارد می گردید این بود که ممکن است قانون محل وقوع فعل زیانبار هیچ گونه سنخیتی با واقعیت های موجود در پرونده نداشته باشد. به طور مثال در دعوای شرکت نفت عربی آمریکایی به طرفیت والتن قانون عربستان سعودی به عنوان قانون حاکم بر دعوا شناخته شد. خلاصه پرونده بدین صورت بود که کارگری آمریکایی دعوای خسارت را به طرفیت یک شرکت آمریکایی (کارفرما) اقامه نمود. محل وقوع فعل زیانبار عربستان سعودی بود و در نهایت قانون حاکم، قانون عربستان سعودی شد. در حالی که در دعوای یک ملوان اسکاتلندی به طرفیت ناخدای اسکاتلندی به خواسته مطالبه خسارت و زیان وارده در نتیجه تصادف، قانون جمهوری دومینکن حاکم شد زیرا خسارت وارده در محدوده آبهای سرزمینی کشور مزبور تحقق یافته بود.[۶] ایراد دیگری که به رویه قضایی انگلیس وارد گردید این بود که خواهان باید دعوای خود را طبق قانون محل وقوع خسارت و قانون مقر دادگاه اقامه نماید و این امر مزیتی به نفع خوانده است که می تواند دفاع خود را مطابق هر دو قانون اعمال کند. در نتیجه ممکن است خواهان به کمترین حق خود برسد.

بند دوم : استثنائات وارده بر قاعده تجانس و همانندی

اگر چه قاعده تجانس و همانندی قاعده حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی انگلیس بود، اما قاعده مذکور هیچ گاه به صورت مطلق اجرا نشد و دادگاههای انگلیس و کشورهای تابع نظام کامن لا در پاره ای از موارد، استثنائی را بر آن اعمال نمودند به ویژه در جایی که اعمال قاعده مزبور منجر به نتایج ناعادلانه و غیر منصفانهای گردید. در ذیل به پارهای از استثنائات مذکور اشاره می نماییم.

1. Collier, J,G; Conflict of Laws, Third edition, Cambridge University Press, United kingdom, 2001 , p 223.

2. Mayss, Abla; Principles of Conflict of Law, Cavendish Publishing Limited, Second edition, London, 1996 , p 373.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

استثناء اول: نخستین استثناء پرونده بویز به طرفیت چاپلین بود خلاصه جریان پرونده بدین صورت بود که خواهان و خواننده هر دو تبعه انگلیس بودند و در زمان وقوع فعل زیانبار هر دو ساکن مالت بودند. خواهان دعوایی را در دادگاه انگلیس به خواسته مطالبه خسارت اقامه می نماید. این در حالی است که بر طبق قانون مالت، خواهان تنها می توانست مقدار معینی از خسارت را مطالبه نماید. اما بر طبق قانون انگلیس او می‌توانست مبلغ بیشتری از خسارت را مطالبه کند. در این پرونده پس از کش و قوس های فراوان سرانجام مقرر گردید قانون انگلیس قانون حاکم باشد. [۷]استثناء دوم: استثناء دیگر پرونده جانسن به طرفیت کاونتری چرچیل اینترنشنال" بود. زمانی که خوانده یک کارگر انگلیسی بود و برای کار در خارج از انگلیس (آلمان) استخدام شده بود. خوانده در حین انجام کار ساختمانی آسیب می بیند، قانون المان هیچ گونه مسئولیتی را برای کارفرمای مقصر در برابر خوانده نسبت به خسارت ایجاد شده در حین انجام کار در نظر نگرفته بود. خواهان دعوایی را به طرفیت خوانده اقامه نمود و مدعی شد که خوانده هیچ گونه سیستم مناسبی را برای وی فراهم نکرده است. گر چه پرونده مزبور باقاعده تجانس و همانندی مطابقت نداشت. اما استثنائاتی بر قاعده مزبور در نظر گرفته شد. بر پایه این استثناء خطای واقع شده در خارج بر طبق قانون انگلیس قابل مطالبه است؛ بنابراین قانون انگلیس به عنوان قانونی که بیشترین ارتباط را با فعل زیانبار و طرفین دعوا داشت اعمال گردید.[۸]

استثناء سوم: سومین استثناء در خصوص پروندهای مرسوم به دریای سرخ بود. خلاصه جریان پرونده بدین صورت است که خواهان ها که شریک پروژه ساختمانی بودند دعوایی را به طرفیت شرکت بیمه دریای سرخ که در کشور هنگ کنگ ثبت رسیده بود مطرح کردند. آنها بر طبق بیمه نامه برای خسارت و هزینه‌هایی که در نتیجه اصلاح خسارت ساختمانی بود، مدعی خسارت شدند. خوانده (شرکت دریای سرخ) مدعی شد که خسارت مزبور طبق بیمه نامه تضمین نشده است. در دعوای مزبور از اجرای قاعده تجانس و همانند خودداری به عمل آمد و قانون عربستان سعودی (محل وقوع زیانبار) حاکم شد و مقرر شد که نیازی نیست خوانده بر اساس قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع محل زیانبار مسئول باشد. [۹]

نتیجه گیری

در این قسمت به مقایسه حقوق ایران و انگلستان می پردازیم؛ بر این اساس نخست به ذکر وجود شباهت ها و تفاوتهای قانون مدنی ایران و قانون حقوق بین الملل خصوصی انگلیس می پردازیم و سپس وجوه اشتراک و افتراق قوانین مذکور را بیان می کنیم. «قانون حقوق بین الملل خصوصی انگلستان» و «قانون مدنی ایران» دارای وجوه تشابه و افتراق فراوانی هستند.

1. O'Brien, John; Conflict of Laws, Second edition, Cavendish Publishing Limited, London, 1999. , p 388.
2. Ibid , p 395.
3. Mayss, Abla; Principles of Conflict of Law, Cavendish Publishing Limited, Second edition, London, 1996. , p 144.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

وقوع رخدادها و حوادث زیانبار در جهان امروز که روابط و تعاملات ملتها با یکدیگر رو به افزایش است امری اجتناب ناپذیر است. ضرورت وضع قوانین و قواعدی مناسب در جهت حکومت بر روابط مزبور لازم و ضروری است. حقوق همواره باید همگام با دگرگونی ها و تحولات باشد. رشد پیشرفت و تکنولوژی همان گونه که موجب پیشرفت جامعه بشری شده است مشکلاتی را نیز به وجود آورده است. وقوع حوادث زیانبار در کشورهای مختلف و مطالبه خسارت ناشی از آنها توسط اتباع کشورهای دیگر از مسائل مبتلا به در حقوق بین الملل خصوصی است. در حقوق ایران قاعده ای برای حل تعارض در خصوص مسائل مربوط به مسئولیت مدنی وجود ندارد و در حال حاضر در صورت طرح دعوا در دادگاههای ایران دادرس ناگزیر از اعمال قانون مقر دادگاه است. این در حالی است که مسئله مزبور در حقوق انگلیس سابقه ای طولانی دارد و رویه قضایی انگلستان مسیری طولانی را در این خصوص طی کرده است. حقوق انگلستان سرانجام پس از سالهاء قاعده محل وقوع فعل زیانبار را جایگزین قاعده

تجانس و همانندی کرد. البته حقوق انگلیس به طور مطلق قاعده مزبور را اعمال نمی‌کند و در موارد استثناء قاعده قانون مناسب را جایگزین آن می سازد.

حقیقت این است که هیچ یک از قواعد حل تعارض در مسئولیت مدنی نمی تواند در همه موارد پاسخگو باشد و هر یک از قواعد (قانون مقر، قانون محل وقوع فعل زیانبار، قانون مناسب) تنها بخش هایی از واقعیت را تحت پوشش قرار میدهد. قانون حقوق بین الملل خصوصی انگلیس مصوب ۱۹۹۵ با در نظر گرفتن این مسئله، قانون مناسب را در برخی موارد قائم مقام قانون محل وقوع فعل زیانبار می کند. به نظر می رسد با توجه به اینکه این قاعده منطبق با جدیدترین دکترین های پذیرفته شده در دنیا است و از نقایص کمتری نسبت به راه حل های مشابه برخوردار است، راه حل مناسب برای حقوق ایران نیز باشد.

پیشنهاها

به سایر دانشجویان پیشنهاد می شود در پژوهش های خود به سایر ابعاد مسئولیت مدنی بپردازند. به حقوقدانان و سیستم حقوقی کشور هم پیشنهاد می شود در جهت شناسایی کمبود ها در زمینه دعاوی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس و رفع آنها اقدام نموده و برای مرتفع شدن چالش ها و اختلاف نظرها در زمینه دعاوی مسئولیت مدنی تلاش نمایند. در پایان هم امیدوارم قوه قضاییه، کانون وکلا، مشاوران و. . . از نتایج این تحقیق بنده استفاده کاربردی و مفید بنمایند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

ـ احمد السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۱، بیروت لبنان، دارالاحیاء التراث العربی

ـ ارفع نیا، دکتر بهشید، ؛ حقوق بین الملل خصوصی (جلد دوم)، انتشارات بهتاب، ۱۳۷۹

ـ الهواری، احمد محمد؛ الوجیز فی القانون الدولی خاص الاماراتی، چاپ دوم، عمان (اردن)، اثراء للنشر و التوزیع، ۱۹۷۰م.

ـ امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول ؛ چاپ ۲۶ ؛ تهران : نشر اسلامیه ؛ ۱۳۸۵

ـ امینی، عیس؛ نوعی، الیاس، قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق انگاستان با نگاهی به حقوق ایران، ۱۳۹۰

ـ شهیدی، دکتر مهدی ؛ قواعد ایرانی تعیین قانون حاکم بر قرارداد، اندیشه‌های حقوقی، چ دوم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۷

ـ شیخ الاسلامی، سید محسن ؛ حقوق بین الملل خصوصی، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴

ـ صالحی ذهابی، جمال؛ «مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین»، فصل نامهٔ صنعت بیمه، پژوهشکدهٔ بیمه، سال هفدهم، ۱۳۸۱

ـ غروی نائینی، محمد حسین، قوائد الاصول، تقریر : محمد علی کاظمی خراسانی، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۵

ـ قاسم زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۸

ـ الماسی، دکتر نجاد علی ؛ حقوق بین الملل خصوصی، نشر میزان، ۱۳۸۲

__ Collier, J,G; Conflict of Laws, Third edition, Cambridge University Press, United kingdom, 2001 , p 223

__ First Published, Cambridge University, Press, United kingdom, 2009 , p 162

__ Gottschalk, Eckart & Michaels, Ralf & Ruhl, Glesela & Von hein, Jan; Conflict of Laws In a Globalized World, First published, Cambridge University press, United kingdom, 2007 , P 277

__ Mayss, Abla; Principles of Conflict of Law, Cavendish Publishing Limited, Second edition, London, 1996

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]